خانواده ایرانی

حریم خصوصی و الزامات آن

داشتن حریم خصوصی خوب است؟ این موضوعی است که بسیاری از خانواده‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی با آن مواجه هستند. موضوعی که می‌تواند در صورت نهادینه شدن تاثیرات شگرفی بر شکوفایی خانواده‌ها بگذارد، محدوده‌ای از عقاید، احساسات، رفتارها و ویژگی‌های هر عضو خانواده که برای دیگر اعضا آشکار نباشد یا به‌رغم آشکار بودن، از افشای آن راضی نباشد و در مقابل ورود و نظارت دیگر اعضا واکنش نشان دهد، حریم خصوصی تلقی می‌شود؛ مانند حریم خلوت، حریم اطلاعات، حریم جنسی، حریم ارتباطات و حریم شخصیت. بسیاری از افراد بر این باورند احترام به این حریم خصوصی مختص دوران تجرد و قبل از ازدواج است و زندگی مشترک یعنی باید همه چیز را با همسرمان به شراکت بگذاریم ولی بسیاری از مشکلات زناشویی ناشی از احترام نگذاشتن به این حریم خصوصی و خدشه‌دار کردن آن است.

برای کنکاش در این موضوع الزاما باید، ماهیت حریم خصوصی را شناسایی و نسبت به مناسب‌سازی آن در خانواده اقدام کرد.

حریم خصوصی یعنی یک فرد یا گروه بتواند خود یا اطلاعات مربوط به خود را مجزا کند و در نتیجه بتواند خود یا اطلاعاتش را با انتخاب خویش در برابر دیگران آشکار کند. مرزها و محتوای آنچه خصوصی قلمداد می‌شود در میان فرهنگ‌ها و اشخاص متفاوت است، اما تم اصلی آنها مشترک است. حریم خصوصی گاه مربوط به ناشناس بودن، یعنی تمایل به گمنامی یا دور ماندن از عرصه عمومی است. انواع مختلف حریم خصوصی اقتصادی، حریم خصوصی پزشکی، حریم خصوصی در اینترنت و خصوصی بودن اطلاعات بستگی دارد به این که عموم چگونه این اطلاعات را دریافت و با آن برخورد خواهند کرد که به نوبه خود به شرایط زمان و مکان وابسته است. مفهوم حریم خصوصی بر مفهوم امنیت نیز تأثیر می‌گذارد مثلا از سوءاستفاده گرفته تا امنیت اطلاعات. حریم خصوصی همچنین می‌تواند به معنای حق بر بدن باشد.

حق مصونیت از تعرض حکومت، شرکت‌ها یا افراد به حریم خصوصی، در بسیاری از کشورها به عنوان قوانین حفظ حریم خصوصی وجود دارد و در برخی موارد در قانون اساسی آنها آمده است. البته تقریبا همه کشورها قوانینی دارند که به روشی حریم خصوصی را محدود می‌کند، به عنوان مثال قانون مربوط به مالیات که معمولا به اطلاعات مربوط به سود یا درآمد شخصی نیاز دارد. گاه ممکن است حریم خصوصی فردی در تضاد با قوانین آزادی بیان باشد. گاه بر خی قانون‌ها موجب افشای عمومی اطلاعاتی می‌شوند که در کشورها و فرهنگ‌های دیگر، خصوصی تلقی می‌شوند. حریم خصوصی از نظر فرهنگی بسیار نسبی است. یعنی به فرهنگ جامعه بستگی دارد که آن هم تحت تأثیر شرایط اقتصادی و فناوری است. گاه افراد اطلاعات خصوصی خود را داوطلبانه افشا می‌کنند مثلا برای به دست آوردن منافع، برای تبلیغات، هنگام شرکت در مسابقه‌ها و قرعه‌کشی‌ها... افشای اطلاعات خصوصی گاه منجر به سوءاستفاده از آن توسط دیگران و دزدی هویت می‌شود.

مفهوم حریم خصوصی هرگز مورد توافق دولت‌ها و مدیران جامعه قرار نگرفته است، زیرا قابل شدن به یک مفهوم واحد که مورد توافق باشد، دولت‌ها را در اجرای برنامه‌های خود محدود می‌کند، به خاطر فرار از این محدودیت و مقید نشدن به قالب‌های حقوقی که می‌تواند در قوانین اساسی و عادی کشورها نیز بازتاب یابد دولت‌ها هرگز خود را در محدوده تنگ تعاریف رسمی و قانونی قرار نمی‌دهند تا هر زمان لازم آید بتوانند به حریم خصوصی پا گذارند، می‌توان حریم خصوصی را به دو دسته تقسیم کرد:

اول - حریم خصوصی مادی: حریم خصوصی مادی مکان یا حدی است که شخص به تنهایی یا به همراه جمعی دیگر در آن مکان یا حدار حقوق اختصاصی تقریبا مطلق برخوردار است. حریم خصوصی مادی هیچ‌گونه استلزامی با حریم خصوصی معنوی که بعدا به آن خواهیم پرداخت ندارد.

مهم‌ترین ویژگی حریم خصوصی مادی حدود مشخص مکانی است. ویژگی‌های عمده حریم خصوصی مادی به شرح ذیل است:

۱- توسط اشخاص انتخاب می‌شود به این معنا که اعتبار آن ناشی از معرفی شخص و تأیید کلی قانون است. حریم خصوصی مادی می‌تواند هر محل و مکانی باشد با این وصف به خودی خود مکان مذکور فاقد حرمت است مگر آن که شخص دیگری به آن پا گذارد یا در آن دخالت کند. بی‌گمان مکانی که شخص به‌عنوان حریم خود انتخاب و معرفی می‌کند باید فاقد معارض بوده و با حقوق خصوصی و عمومی افراد یا دولت منافات نداشته باشد چرا که در این صورت می‌تواند مصداق نقض حریم اشخاص یا دولت باشد. بنابراین حریم خصوصی مادی زمانی اعتبار خواهد داشت که مورد حمایت قانون نیز قرار گیرد.

۲- ورود و خروج آن محدودیت دارد: این محدودیت ناشی از اصاله‌الصحه از یک طرف و اماره تصرف از طرف دیگر است. زیرا کسی که محدوده‌ای برای خود به‌عنوان حریم خصوصی برگزیده، هم او می‌تواند به اعتبار حضور خود محدودیت‌هایی را در مورد ورود و خروج به حریم انتخاب شده اعمال کند و این حق نیز توسط دیگران نمی‌تواند نادیده گرفته شود زیرا دیگران صرفنظر از مبنای حقوقی و قانونی حریم انتخاب شده اصل را بر صحت آن گذاشته و به همین خاطر مجاز به ورود به حریم مذکور نیستند. در واقع محدودیت تردد در حریم خصوصی ناشی از همان خصوصی بودن آن است.

۳- اعتبار حریم خصوصی قائم به شخص آن است. البته هم قائم به شخص است و هم نیست به این معنی که بسته به وضع مکان یا فضای مادی ممکن است حریم خصوصی ملکی عرفا یا قانونا تعریف شود در این صورت بدیهی است که حریم مذکور قائم به شخص دارنده آن نیست و در فقدان وی نیز حریم تعیین شده موجودیت دارد اما به‌ویژه در اماکن مسکونی حریم خصوصی را متصرف آن تعیین می‌کند و هم اوست که می‌تواند به‌رغم نظام‌مندی عرفی دامنه حریم خصوصی خود را کاهش یا افزایش دهد.

۴- حریم خصوصی الزاما جزو مایملک شخصی نیست اما شخص که دارای حریم خصوصی مادی است بر آن تسلط ناشی از تصرف دارد در حالی که تصرف او ممکن است مالکانه نیز نباشد. بنابراین حریم خصوصی مادی مستلزم داشتن مالکیت در محدوده حریم نیست و این امر نیز مستلزم قانونی بودن تصرف نیست مگر در صورت وجود معارض که نیازبه اثبات قانونی بودن پیش کشیده خواهد شد.

۵- حریم خصوصی مادی اختصاص به مکان یا محدوده معین دارد به این معنی که مقتضیات مکان نیز در تعیین حریم خصوصی نقش مهمی دارند حتی اگر شخص آن را تعریف کرده و اعلان کند اما برخی اماکن مادی وجود دارند که بیشتر از مقتضای آنها نمی‌تواند حریم واقع شود. بنابراین در این جا هم نقش صاحب حریم محدودتر خواهد شد.

۶- اشخاص حاملان حریم خصوصی مادی نیستند و شخص نمی‌تواند با ترک مکان یا محدوده حریم آن را که خواست او نیز هست در مکان دیگری مستقر کند همچنانکه نمی‌تواند در مکان جدید به تعیین حریم جدید اقدام کند.

۷- حریم خصوصی در اماکن تجاری، مسکونی و اداری تفاوت دارد این تفاوت نیز ناشی از مقتضای اماکن مذکور است. با جابه‌جایی صاحبان حریم‌های مذکور حریم آنها از بین نخواهد رفت.

۸- حریم خصوصی مادی چون وابسته به مکان است قابل معامله و مبادله نیست و موضوع مبادله یا معامله آن در بحث حقوق ارتفاقی یا انتفاعی قابل بررسی است.

۹- حریم خصوصی بدون صاحب معنایی ندارد. زیرا حقوق اماکن و املاک و محدوده‌ها حقوق صاحبان آنها هستند و هرگاه کسی به حریم خصوصی اماکن فاقد مالک یا مدعی پا گذارد کسی به‌عنوان معترض وجود نخواهد داشت تا به اعتراض برخاسته و ادعای حقی کند.

دوم - حریم خصوصی معنوی:

۱- حریم خصوصی معنوی وابسته و قائم به شخص است و همیشه همراه اوست بدین معنا که همراه شخصیت و ایده‌های اوست حتی اگر تجسم مادی یافته و نزد او نباشد مانند یک دفترچه یادداشت خاطرات یا نامه خصوصی. معمولا با از بین رفتن شخص حریم خصوصی معنوی او نیز موضوعیت نخواهد داشت. زیرا حریم خصوصی معنوی به اعتبار شخص انسان اعتبار دارد.

۲- اغلب حریم خصوصی معنوی جزو خواسته‌ها و علایق ذهنی شخص است و تابعی از ایده‌ها و گرایشات و آرمان‌های خصوصی افراد است. به همین خاطر امری که نزد هیچ شخص دیگری ارزشی نداشته یا اصولا قابل توجه نیست ممکن است نزد دیگری به‌علت علایق، خواسته‌ها و ایده‌های او بسیار مهم و با ارزش و خصوصی تلقی شود. بنابراین ارزش حریم خصوصی معنوی کاملا نسبی و متفاوت است.

۳- حریم خصوصی معنوی اغلب جنبه سری و محرمانه دارد تا جایی که در زندگی اجتماعی ما این دو مساوی هم فرض می‌شوند اگر چه حریم خصوصی معنوی الزاما ممکن است محرمانه نباشد با این وصف دارای حدود و چارچوب معینی باشد که شخص آن را حریم خود می‌داند.

۴- افراد برای حفاظت از حریم خصوصی معنوی نیاز به توجیه ندارند. برخلاف حریم خصوصی مادی که توجیه قانونی و عرفی آن لازم می‌آید.

در حریم خصوصی معنوی لازم نیست دیگران قانع یا برای آن توجیه شوند. بلکه به صرف برخورد حدود آن باید توسط دیگران مراعات شود.

۵- حریم خصوصی معنوی چون قائم به شخص است قابل توارث نیست. ورثه قانونی شخص اگر از اعتبار یا آثار بجامانده از مورث خود ذیحق باشند اما حریم خصوصی معنوی او را به ارث نمی‌برند. بنابراین گشودن نامه‌های خصوصی مورث تجاوز به حریم خصوصی وارث نیست.

۶- محدوده حریم خصوصی معنوی تابعی از فرهنگ، اخلاق و عرف‌های متغیر اجتماعی است و در دوره‌های گوناگون زندگی و در نسل‌های مختلف قرائت‌های گوناگونی از آن به‌عمل می‌آید و ممکن است یک شخص در طول زندگی خود با تغییراتی در مفهوم حریم خصوصی خود مواجه شود.

۷- حریم خصوصی معنوی با اراده و خواست صاحب آن از بین می‌رود. زیرا تعیین آن توسط خود او صورت گرفته و دیگران نیز ملزم به مراعات آن شده‌اند و با اعلام او هم از بین خواهد رفت یا برعکس دامنه محدوده آن گسترش خواهد یافت.

۸- حریم خصوصی معنوی اشخاص در مقابل قوای حاکم اگر چه آسیب‌پذیرتر است زیرا حمایت قانونی از آن کمرنگ است مع‌الوصف و اغلب از نظارت و دید قوای حاکم به‌دور است به همین خاطر نیز همیشه حریم خصوصی معنوی هدف مقامات حاکمه قرار می‌گیرند.

زنان با کمک مردان

شاید نقش شوهر در اعتیاد همسر پررنگ باشد!

لوایل اسفندسال گذشته بود که استاندار اصفهان گفته بود تغییر نوع مواد مخدر از سنتی به صنعتی و همچنین تغییر جنسیت و کاهش سن مبتلایان به موادمخدر نگران کننده است. رسول زرگربور در یازدهمین جلسه شورای هماهنگی مبارزه با موادمخدر استان اصفهان اظهار کرد: جمهوری اسلامی ایران بیش از ۳۵ سال است که در امر مبارزه با موادمخدر تلاش می‌کند و شهدای زیادی را نیز در این رابطه تقدیم کرده، ولی آنچه مشخص است ایران هنوز نتوانسته به‌طور کامل مبارزه با موادمخدر را دنبال کند. وی تغییر نوع موادمخدر از سنتی به صنعتی و همچنین تغییر جنسیت و کاهش سن مبتلایان به موادمخدر را نگران کننده دانست و گفت: اعتیاد زنان، تبعات بالاتری در جامعه خواهد داشت.

موضوع تغییر جنسیتی در مصرف موادمخدر نگاه جدیدی است. اما آیا زنان خود به پای خود به دام مواد مخدر می‌افتند؟ اعتیاد را چه کسی در خانواده باب می‌کند. شاید بد نباشد که آدم سری بزند به مراکز ترک اعتیاد. شاید نقش همسران در اعتیاد زنان پررنگ باشد! شاید...

خوب است قسمت‌هایی از یک گزارش را در این زمینه بخوانیم؛ در یکی از مراکزی که زنان دچار آسیب‌های اجتماعی، تحت پوشش و درمان قرار می‌گیرند، گروهی در حیاط مرکز در حال گفت‌وگو با یکدیگر هستند. گویا می‌خواهند به خاطر زندگی در خوابگاه و ماندن در تاریکی طولانی مدت کمی درون فضای باز قرار گیرند. با این که لباس‌های مناسبی بر تن ندارند اما شادی در چهره تعدادی از آنها موج می‌زند.

برخی از آنان هم سخت به فکر فرو رفته‌اند. شاید به گذشته سیاه و پر درد و رنج خود فکر می‌کنند. تعدادی از این زنان توسط فرزندان خود به علت معتاد بودن، طرد شده‌اند و در حال حاضر در گرم‌خانه‌های کوچک مستقر هستند و تعدادی از آنها نیز همراه با فرزندانشان به این مرکز مراجعه می‌کنند.

به نقل از ایسنا، شیوا جلالوند موسس یک مرکز کاهش آسیب در همین راستا درباره نحوه تأسیس مرکز، گفت: این مرکز ابتدا فقط مخصوص مردان دچار آسیب‌های اجتماعی بود اما از آن جا که زنان بیشتر از مردان تحت تأثیر آسیب‌های اجتماعی هستند و بخش بزرگی از مسئولیت‌های بزرگ جامعه بر دوش آنهاست، دومین مرکز که فقط مخصوص زنان دچار آسیب‌های اجتماعی است ۱۵ آذر ۹۳ در منطقه قیام به سمت مولوی با همکاری بهزیستی شروع به فعالیت کرد.

وی اظهار کرد: کسانی که معتاد می‌شوند افرادی سست‌عنصر و بی‌اراده یا از لحاظ اخلاقی فاسد نیستند بنابراین وجود چنین برداشت نادرستی سبب می‌شود که بسیاری از معتادان نتوانند درخواست کمک کنند و به خاطر اعتیادشان دچار احساس شرمساری می‌شوند.

جلالوند با تأکید بر این که معتادان به علت احساس شرمندگی، ترس، خشم و عذابی که دارند به حمایت نیازمندند، نه به چیز دیگری که حال آنها را نسبت به خودشان بدتر می‌کند یا آنان را مقصر جلوه می‌دهد، یادآور شد: اکثر افراد معتاد به سختی حاضر می‌شوند این واقعیت را قبول کنند که اعتیاد نوعی بیماری است و همین امر سبب می‌شود تا فرد معتاد احساس خجالت و شرمندگی و بیماری اعتیاد خود را انکار کند و به سراغ ترک موادمخدر نرود.

وی با اشاره به این که تعداد زیادی از این افراد علاوه‌بر مشکلاتی مانند اعتیاد و ابتدا دچار مشکلات مالی نیز هستند، خاطرنشان کرد: تعدادی از آنها دارای مهارت‌های خوبی هستند که باید توسط افراد خبر مورد حمایت قرار گیرند تا بتوانند از این طریق بخشی از مخارجشان را تأمین کنند.

جلالوند افزود: این مرکز باید از طریق افراد خبر مورد حمایت واقع شود تا با برگزاری کلاس‌های آموزشی بتواند با حمایت از این افراد موجب تقویت روحیه آنها شود تا باز دیگر به سمت مشکلات اجتماعی و اعتیاد کشیده نشوند.

درددل‌های چندقربانی اعتیاد

(س.ه) زنی ۵۰ ساله است که برای مصرف متادون وارد مرکز می‌شود و در پاسخ به این که چگونه به اعتیاد دچار شده است، به ایسنا می‌گوید: در ۱۶ سالگی توسط شوهرم معتاد شدم. او زمانی که دچار درد پا شدم به من گفت که مواد مصرف کنم تا درد پایم کم شود و من از روی ناآگاهی حرفش را پذیرفتم.

وی درباره این که چه زمانی برای ترک به انجمن مراجعه کرده است، اظهار می‌کند: تا ۲۷ سالگی مواد مصرف کردم و از ۲۷ تا ۳۰ سالگی تصمیم گرفتم ترک کنم. بارها این تصمیم را می‌گرفتم اما دوباره به سمت مواد می‌رفتم. یکبار به خاطر دعواهایی که با فرزندانم داشتم از خانه فرار کردم و کارتن‌خواب شدم اما فرزندانم دوباره مرا به زندگی بازگرداندند. او می‌گوید: به فرزندانم قول دادم که دیگر به سمت مواد بازنگردم. در ۳۴ سالگی از شوهرم طلاق گرفتم و ۲ فرزندم را به تنهایی بزرگ کردم. بچه‌هایم به خاطر اعتیاد من و پدرشان بسیار صدمه دیدند زیرا آدم معتاد خود خواه و بدون درک می‌شود. فردی که معتاد شود، به هر نحوی پول موادش را فراهم می‌کند چرا که مواد برای وی مانند هوا برای زنده ماندن است.

وی با اشاره به این که تمام ارثی که از پدرش به او رسیده است را مواد خریده، خاطرنشان می‌کند: بعد از اتمام ارثیه پدرم سعی می‌کردم کمتر غذا بخورم تا پول موادم را تأمین کنم. ۱۴ سال در یک بیمارستان کار کردم اما زمانی که متوجه شدند اعتیاد دارم مرا اخراج کردند. شوهرم زندگی من و فرزندانش را به تباهی کشید، هیچ‌وقت نمی‌توانم او را ببخشم و به زنان دیگر توصیه می‌کنم که هیچ‌وقت دچار منجلاب اعتیاد نشوند چرا که رهایی از آن بسیار دشوار است.

به تشویق شوهرم وبرای کاهش دردزایمان معتاد شدم

(م.غ) زنی ۴۳ ساله است که برای مصرف متادون وارد مرکز شده است. او در پاسخ به این پرسش که چگونه دچار اعتیاد شده است، می‌گوید: با تشویق شوهرم و برای کاهش درد زایمان معتاد شدم و ۱۰ سال از زندگی خود را تریاک مصرف کردم.

وی در پاسخ به این سوال که چه زمانی برای ترک به انجمن مراجعه کرده است، تصریح می‌کند: زمانی که دچار درد زایمان بودم به تشویق شوهرم تریاک مصرف کردم اما درد زایمانم کم نشد و به بیمارستان برای سزارین منتقل شدم. بعد از زایمان شروع به مصرف تریاک کردم و پس از آن به جای تریاک، شیشه مصرف کردم. ۲۰ روز است که متادون مصرف می‌کنم و تصمیم دارم شوهرم را هم به کمک یک روانپزشک ترک بدهم. به خاطر فرار از خانه، معتاد و کارتن‌خواب شده‌ام.

(ن.د) زنی روستایی است که برای استفاده از خدمات درمانی وارد مرکز شده است. او می‌گوید: از اهالی شمال کشور هستم و پس از طلاق از شوهرم، به تهران فرار کردم و در تهران معتاد و کارتن‌خواب شدم.

وی در پاسخ به این سوال که پس از مهاجرت به تهران با چه اتفاق‌هایی روبه‌رو شده است، اظهار می‌کند: پس از فرار به تهران آمدم و چون جایی را نداشتم، کارتن‌خواب شدم. در تهران دوست‌های نامناسبی پیدا کردم و آنها مرا تشویق به اعتیاد کردند. دیگر نتوانستم پدر و مادرم را ببینم و در حال حاضر متادون مصرف می‌کنم. اشتباه من در زندگی این بود که به جای مواجهه با مشکلات از آنها فرار کردم.

---

۱۴ ازدواج ایرانی

پروژه همسان‌گزینی تبیان

برای کمک به جوانان و فرهنگ‌سازی ازدواج سالم، تاکنون اقدامات عدیده‌ای صورت پذیرفته است. اینکه این اقدامات خوب هستند یا بد، موضوعی است که باید کارشناسان بدان پاسخ گویند اما قبل از هر چیز باید ببینیم چه اقداماتی در جهت تحکیم بنیان خانواده و ازدواج برداشته شده است؟ امروز نگاهی خواهیم داشت به پروژه همسان‌گزینی تبیان.

پروژه همسان‌گزینی تبیان

با ورود اینترنت به فضای عمومی و خصوصی جامعه، به تدریج پای سایت‌های همسریابی نیز به حوزه ازدواج جوانان کشیده شد که عمدتا به صورت غیرقانونی در کشور فعالیت می‌کنند. در این میان، سایت تبیان وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی تصمیم گرفت فعالیت‌های خود را در زمینه ازدواج با طراحی «سامانه همسان‌گزینی تبیان» پیگیری کند و در این زمینه شهریور ماه سال جاری تفاهم‌نامه‌ای میان وزارت ورزش و جوانان و سازمان تبلیغات اسلامی منعقد شد.

سامانه همسان‌گزینی تبیان که در حال حاضر در تهران و به صورت آزمایشی کار می‌کند، فعالیت خود را در زمینه احیای نقش واسطین امر ازدواج قرار داده و از ظرفیت‌های فضای مجازی برای این کار استفاده می‌کند. زهره حسینی، مدیر این پروژه ضمن ارایه توضیحاتی درخصوص این طرح می‌گوید: ایده این طرح این بود که شبکه‌ای از واسطین احیا شود و به وجود بیاید و وساطت در امر ازدواج احیا شود به همین منظور شروع به شناسایی واسطین کردیم و آنها را ارزیابی و از آنها دعوت کردیم که در شبکه واسطین ما عضو شوند و با هم تعامل داشته باشند و مورد‌های مناسب را به هم معرفی کنند تا از این طریق، شاس ازدواج جوانان بالا رود. بعد از تشکیل شبکه واسطین، مشاوره برای واسطین، جوان‌ها و خانواده‌های آنها اهمیت زیادی داشت. مشاورین این شبکه کمک می‌کنند معرفی‌هایی که توسط واسطین اتفاق می‌افتد، به شکل علمی‌تر و اصولی‌تر اتفاق بیفتد و منجر به ازدواج آگاهانه و پایدار شود. جوانان ابتدا در سایت ما ثبت‌نام می‌کنند، بعد از ثبت‌نام یک مصاحبه تکمیلی داریم، بعد پرونده آنها در جریان می‌افتد و در اختیار واسطین قرار می‌گیرد. در کنار این موارد، مشاوره و آزمون‌های روانشناسی و آموزش‌های لازم نیز در برنامه ما تدارک دیده شده است.

تجربه نو

مصاف دختران دوچرخه‌سوار افغان با جامعه

اعضای تیم‌ملی زنان دوچرخه‌سواری افغانستان برای تمرین، دوچرخه خود را خودرو به بیرون شهر منتقل می‌کنند تا به دور از نگاه‌های ناخوشایند، تمرین کنند. با این حال گاهی رانندگان در جاده با صدای بلند به آنها نامزلمی گویند.

این روزها اعضای تیم دوچرخه‌سواری زنان افغانستان مرزهای محدودیت برای زنان در یک کشور محافظه‌کار اسلامی را می‌شکنند. اعضای تیم‌ملی زنان دوچرخه‌سواری افغانستان برای تمرین، باید دوچرخه خود را با خودرو به بیرون شهر منتقل تا بتوانند به دور از نگاه ناخوشایند اهالی کابل تمرین کنند. آنها برای تمرین به خارج از کابل می‌روند تا کمتر جلب توجه کنند.

با این حال گاهی رانندگان خودروهای در حال تردد در جاده‌ها هنگامی که این دختران دوچرخه‌سوار را می‌بینند با صدای بلند به آنها نامزا می‌گویند. ملیکا یوسفی، عضو تیم‌ملی زنان دوچرخه‌سواری افغانستان می‌گوید که مصمم است تا به عنوان اولین زن افغان در مسابقات دوچرخه‌سواری تور فرانسه شرکت کند.

بیش از ۴۰ زن افغان این روزها در حومه کابل با این گروه تمرین می‌کنند.

آنها عبدالصدبق صدیقی همچون یک سپر برای آنها است و اگر او نباشد اعضای تیم‌ملی زنان دوچرخه‌سواری افغانستان نمی‌توانند تمرین کنند.

عبدالصدبق صدیقی، مربی تیم‌ملی زنان دوچرخه‌سواری افغانستان می‌گوید: این افراد همان کسانی هستند که به فرزندان‌شان اجازه رفتن به مدرسه نمی‌دهند. در زمان حکومت طالبان در دهه ۹۰ در افغانستان دختران اجازه نداشتند به مدرسه بروند. زنان بدون حضور یکی از اعضای مرد خانواده حتی اجازه بیرون رفتن از خانه را هم نداشتند. با وجود سقوط طالبان در افغانستان اما همچنان تبعیض‌های جنسیتی در این کشور وجود دارد. ملیکا یوسفی، عضو تیم‌ملی زنان دوچرخه‌سواری افغانستان می‌گوید که مصمم است تا به عنوان اولین زن افغان در مسابقات دوچرخه‌سواری تور فرانسه شرکت کند.